

دوفصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال سیزدهم / دوره جدید / شماره ۴۸ / پاییز و زمستان ۱۳۹۶
صص ۵-۱۲

اهمیت درک مهارت میان فرهنگی در تعاملات میان مذاهب



۵

اهمیت درک مهارت میان فرهنگی در تعاملات میان مذاهب

• سعید سالاری

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران

ssalari@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱۴

چکیده

تبيين و آسيب شناسی هم نشینی و تعامل اعضای مذاهب گوناگون و وابسته به یک دین، محل توجه فرهنگ پژوهان و دغدغه مندان مسئله همکاری و همزیستی جوامع و خرده تمدنها است. بررسی «مهارت میان فرهنگی» از شاخصه های کیفی برای سنجش این نوع کنشگریها است. نحوه ترویج و پیاده سازی اجرایی آن، راهی برای بالا بردن این نوع همزیستی است. اثر حاضر بنای آن دارد، تا به واکاوی مقوله شناختی این مهم پرداخته و کاربردپذیری آن را در تعاملات میان مذاهب، بررسی کند. در این نوشتار، از آن رو که مفاهیم پایه این پژوهش هنوز به طور جدی مورد بررسی پژوهشگران فارسی زبان قرار نگرفته، با روشی تبیینی و توصیفی براساس داده ها و ایده پردازیهای محققان فرهنگ دیگر جوامع، به تشریح و کاربست پذیری آن اقدام شده است. این مطالعه، توجه و تأمل در اصول شناختی مهارتهای میان فرهنگی و بارورسازی آن در گستره جوامع و مناطق چند مذهبی را خاطر نشان می کند.

کلیدواژه ها: مهارت میان فرهنگی، حساسیت میان فرهنگی، تعامل دین داران، تقریب مذاهب.



مقدمه

مهم‌ترین چالش برای زیستن آدمی، مسئله همزیستی است. تأمل در آن، ما را به درستی‌اش رهنمون می‌کند، با این پرسش‌ها که آدمی چه مشکلات و یا به تعبیری پژوهش‌مندان، چه مسائل حل نشده‌ای با خود دارد؟ سختی‌های زیستن در کجاست؟ خوشبختی و ناخوشبختی چگونه به درون جوامع راه می‌یابند و چرا در برخی تمدن‌ها، آدمیان بهره بیشتری از سعادت برده‌اند؟ لازم نیست ذهن را به سراغ مفاهیم متعالی نیک اختری ببریم، کافی است به همین پدیده‌های روزانه و اولیه در جوامع نگاهی بیاندازیم. هر جامعه‌ای متشکل از گروه‌ها و مردمانی است که بهره‌های مختلفی از هوش، ثروت، توانایی و همچنین مصیبت، درد و چالش دارند. از آن رو که استعدادها متفاوت، و توزیع مسائل و چالش‌ها نیز ناهمگون است، برای هر بیننده‌ای روشن می‌شود که بخشی از گره‌گشایی یک گروه یا صنف، در دست شماری دیگر است. در جوامعی که تعاملات و همراهیها میان طبقات و سنخ‌های آن همزیستگاه بیشتر باشد، حل معضلات راحت‌تر و با هزینه‌سازی کمتر به دست می‌آید. در مقابل، جوامع و تمدنهایی که ارتباطات بینشان کمتر است، گرفتاریها و بحرانهای بیشتری به نسبت نمونه قبل دارند. تعامل کم و یا منفی سبب حل نشدن چالش‌های قبلی و انباشته شدن آنها و زاییده شدن معضلات جدید می‌شود. اگر ناظری به نظاره این دو دسته بپردازد، یکی را نیک روز و دیگری را تیره روز می‌بیند.

حال با این سؤال مواجه می‌شویم که چرا یکی آن‌گونه و دیگری بدین شکل در افتاد. پاسخ این پرسش، نهفته در فهم یک مسئله اساسی است: آدمیان گوناگون هستند و اصناف و گروه‌های درون جوامع نیز خصلتهای متفاوتی دارند. این خصلتها در پیوند با فرهنگ و الگوهای معنایی و زیستی هر کدام از دسته‌ها است. تفاوت در فرهنگها، سبب تفاوت

در باورها و رفتارها شده و تعامل با دیگر اعضای جامعه را شکل می‌بخشد. حال هرچه آگاهی اعضا نسبت به این تفاوتها و قدرتمندیشان در اتصال میان گروهها بیشتر باشد، تعامل و همزیستی خوشایند همراه با موفقیت اجتماعی، رشد بالاتری می‌یابد. مذهب، به عنوان یکی از استوانه‌های شکل دهنده فرهنگ و رفتار زیستی در نظر گرفته می‌شود، پس اگر راهکارهایی برای بالا بردن تعامل میان مذاهب مختلف پیدا شود و امور قبلی در این خط را بهینه سازد، تعامل مثبت و همزیستی ثمربخش در جامعه یا جوامع چند مذهبی حاصل می‌شود. «مهارت میان فرهنگی» مجموعه‌ای از این نقشها و کارکردها را برای بهبود آنچه گفته شد، فراهم می‌سازد.

تعریف مهارت میان فرهنگی

در تعریف «مهارت میان فرهنگی» (Intercultural Competence) به جنبه‌های گوناگونی از این مقوله توجه شده و براساس آن جنبه‌ها، تعاریفی بیان شده است. این مهارت را نوعی دانش در زمینه فرهنگی - اجتماعی دانسته‌اند که این دانایی، یک توانایی برای مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی، همراه با حس همدردی فراهم می‌نماید و شخص یا گروه را توانمند می‌سازد، تا هنگام قرار گرفتن در ارتباطات و تماس‌های میان فرهنگی، به نحو بهینه‌ای شرایط را مدیریت کند.^۱ در نگاهی دیگر، این قابلیت به عنوان یکی از ملزومات اصلی برای حصول هم‌کنشگری سازگار و محاوره نیک انجام در نظر گرفته شده است.^۲ در اینجا، استفاده از واژه مهارت که البته خود محل تأمل است، صرفاً مجموعه‌ای از ورزیدگیهای کاری را نشان نمی‌دهد، بلکه آمیزه‌ای از نگرشها، اندوخته‌های دانشین، ادراکات و قابلیت‌های اجرایی است که در طریق عمل

1. Teaching Intercultural Competence in Secondary Schools, P.1.

2. Developing intercultural competence through education, P.16.



بازنگری تصور اولیه مذهبی - فرهنگی

نخستین گام و زیربنایی ترین اقدامی که در راستای مهارت میان فرهنگی و یا میان مذهبی برداشته می شود، بازنگری تصور اولیه مذهبی - فرهنگی است. تصور اولیه، عبارت است از تصویری که نسبت به یک موضوع پس از اولین برخورد در ذهن آدمی شکل می گیرد و بر مبنای این تصویر، تصاویر بعدی ساخته می شوند.^۸ حال سؤالی که در همین ابتدای کار مطرح می شود، این است که آیا تصویر نخستین نسبت به مذاهب و فرهنگهای دیگر، با وجود عدم مشاهده مستقیم آنها در ذهن ما شکل گرفته است یا خیر؟ جواب این سؤال مثبت است. روایات و گزارشها، این تصویر نخستین را برای اذهان به وجود آورده اند. پس دیگر نیازی نیست به مرور حافظه خود از تلاقی یک دیدار یا یافتن آن در خاطراتمان بیردازیم، همین که نام آن مذهب و یا فرهنگ و قوم خاص را شنیدیم، کافی است احساس و داوری ذهنی خود را نسبت به آن واکاوی کنیم. اگر این مقولات در ما یافت شد، باید بدانیم که تصور اولیه شکل گرفته و ضروری است تا به ارزیابی آن بیردازیم. به سبب زیستن در عصر رسانه ها، کمترین پدیده ای است که توسط وسایل ارتباطی و متون در ذهن ما صورت سازی نشده باشد.

بازنگری تصور، امری نسبتاً دشوار است؛ زیرا یک پدیده (مثلاً مذهب یا فرهنگ جامعه و قومی خاص)، از دسته اموری است که دیگر جوامع، فرهنگها و مذاهب نسبت به آن قضاوتهای رسمی و غیررسمی دارند و همین قضاوتها از طرق مختلف و در یک بازه زمانی بلند، در جامعه بزرگ تر و یا در سطح یک ملت تزریق می شود. پس نخست باید با بررسی منشأ ورود این گونه اطلاعات و تصاویر در ذهن نسبت به یک مذهب و اهالی آن، کیفیت آنها و سنخ داده هایی که در اختیار ما می گذارند، مورد تفتیش و معاینه قرار

به کار بسته می شوند.^۳ برقراری یک گستره تعاونی میان دو بستر فرهنگی مختلف، تبیین دیگری است که از این اصطلاح برآمده است.^۴ پرورشی بودن این ویژگی، با گذر زمان و بیشتر در معرض آن قرار گرفتن، باعث بالا رفتن قابلیت مذکور می شود. شاید با این تعبیر بتوان آن را در دسته تجربه های اجتماعی نیز جای داد. تجربه و یا تجاربی که با نقش گرفتن در سر راه این روند - که برآمده از پنداشتهای فرهنگی است - به دست می آید، سبب توسعه تعاملات و افزودن بر دریافتهای فرهنگی پیشین می شود.^۵ این مهارت را که ترکیبی از نگرشها، دانش و شیوه رفتار محیطی است، می توان در راستای حصول به موارد زیر نشانه گذاری نمود:

- ۱- فهم و احترام به مردمی که فرهنگ و یا متعلقات فرهنگی ناهمسانی نسبت به شخص مهارت دیده دارند.
 - ۲- پاسخ مناسب، مؤثر و محترمانه در تعامل و ارتباط با چنین اشخاص و گروهها.
 - ۳- بنا نهادن رابطه مثبت و سازنده.
 - ۴- فهم فرهنگ خویشتن و درک تمایزات و تشابهات فرهنگی پس از مواجهه میان فرهنگی.^۶
- منظور از احترام در اینجا، توجه همراه با درک و قائل شدن ارزش برای تمایز فرهنگی است. مناسب بودن واکنش، در حقیقت انجام عمل در چهارچوب نرمهای پذیرفته شده اجتماعی و فرهنگی است. واژه مؤثر نیز نتیجه بخش بودن عمل بر پایه این مهارت را مطالبه می کند، به نوعی که طرفین در این راستا به اهداف خود برسند.^۷ حال به تشریح برخی عناصر آن در نسبت با تعامل میان مذهبی پرداخته می شود.

3.Ibid.

4. *Developing and Assessing Intercultural Communicative Competence*, P.9.

5. See: *Foreign Language Teachers and Intercultural Competence*, P.viii.

6. See: *Developing intercultural competence through education*, PP.16&17.

7.Ibid.

8. See: *New Zealand TWI*, P.23.



گیرند. فرای واکاوی جهت‌گیری این اطلاعات، توجه به دوره تاریخی و هنگامه مورد بحث این دانسته‌ها ضروری است، تا صورت‌های تاریخی را به جای صورت‌های کنونی قضاوت نکنیم.

آگاهی میان مذاهب

لازمه حصول به مهارت میان فرهنگی و میان مذهبی، بالا بردن آگاهی نسبت به فرهنگها، مذاهب و رفتارهای فرهنگی - مذهبی هم‌حوزه و در تبادل است. پیش از آنکه اتفاقی رخ دهد، کسب آگاهی و بالا بردن داده‌های زنده و اطلاعات پالایش یافته اهالی یک فرهنگ نسبت به فرهنگ دیگر - که در اینجا همراه با خصیصه مذهب ناهمگون است - باید انجام پذیرد. در حقیقت شخصی که در پی فراگیری مهارت میان فرهنگی یا به دنبال آموزش آن است، باید به خوبی بداند که با دو مسئله جدی سروکار دارد، که شناخت نسبت به هرکدام ضرورتی اولیه دارد: ۱- شناخت فرهنگ قومی یا بومی جامعه هدف ۲- شناخت اصول رفتاری مذهب خاص در جامعه هدف.

در شناخت مورد اول، طالب مهارت باید بداند که هر بوم فرهنگ، از بوم فرهنگ دیگر، حتی با مذهب یکسان، متفاوت است. پس وی باید ابتدا وزن ارزشی مشخصی را به فرهنگ سنتی که برآمده از جغرافیا و پیشینه زیستی مردم جامعه مورد نظر است، اختصاص دهد. برای نمونه یک انسان بومی مناطق شمالی ایران، با انسانی که برآمده از زندگی در مناطق کویری است، فرهنگی متفاوت دارند و بر حسب این تفاوت، خصیصه‌های اخلاقی ناهمگونی نیز دارند که تعامل بهینه این دو دسته، منوط به شناخت این تمایزات منطقه‌ای است.

مورد دوم نه ضرورتاً به پیشینه فرد و فرهنگ محیطی آن، بلکه به فرامین آیینی وی برمی‌گردد. هر مذهب، شامل دستورات و قواعدی است که سازنده بخشی از

فرهنگ یک بوم‌زیست می‌باشند و در کنار آن شخص را ملزم به اموری می‌کنند که این التزام می‌تواند مرزهایی را در درون آن فرهنگ خاص پدید آورد. برای نمونه، حدودی که یک مذهب برای ازدواج اعضای خود با اعضای مذاهب دیگر ایجاد می‌کند، امری است که می‌تواند خاص آن جامعه نباشد.

حال مهارت‌جوی میان فرهنگی، در گام نخست باید به سراغ جمع‌آوری این‌گونه اطلاعات رود و بر حسب جوامع گوناگون در درون یک ملت، برای هرکدام فصلی خاص تعریف نماید. این یعنی نمی‌توان تعامل با اهالی یک مذهب در دو جغرافیای زیستی گوناگون را یکسان پنداشت و حکمی مشابه صادر کرد. یکی از اشتباهاتی که در برقراری ارتباطات میان فرهنگی واقع می‌شود، در همین حوزه است که حسب آشنایی با پیروان یک مذهب از یک مکان خاص، نگاهی کلی به تمامی پیروان آن مذهب می‌شود؛ در حالی که تفاوت فرهنگی و جغرافیایی، ویژگیهای روحی و اخلاقی متفاوتی پدید می‌آورد. آموزش در این حوزه، باید همراه با ارائه‌های موردی باشد که خود برآمده از پژوهشهای موردی است. همان‌گونه که از عنوان این مدخل روشن می‌شود، مقوله آگاهی مدنظر است و این مفهوم جایگاهی و رای کسب اطلاعات و دانش صرف دارد. آگاهی در اینجا دانشی است که بر حسب تجربه و مشاهده مستقیم حاصل گشته که می‌تواند پس از گردآوری دانش مکتوب یا به واسطه بررسی مستقیم پدیدار آید. آنچه در این آگاهی بیش از پیش اهمیت دارد و با بالا رفتن آن افزایش می‌یابد، دریافت میزان حساسیتهای میان فرهنگی است.

حساسیت میان فرهنگی

«حساسیت میان فرهنگی» (Intercultural sensitivity) حساس بودن به تفاوت‌های فرهنگی



پدیده‌ها برای او حاصل می‌گردد. یکی از نظریات مشهور در زمینه فهم روند تعامل در مقوله حساسیت میان فرهنگی، نظریه «الگوی تکاملی حساسیت میان فرهنگی» (Developmental Model of Intercultural Sensitivity) است. در این الگو، به گونه‌شناسی شیوه‌های واکنش مردمان به فرهنگهای مختلف پرداخته شده است. درک این مهم، زیربنای فهم توجه افراد به مقوله تفاوت‌های مذهبی - فرهنگی، به ویژه در مبحث حساسیتهای میان مذهبی است.

الگوی تکاملی حساسیت میان فرهنگی

این الگو که به نام مقیاس بنت (Bennett scale) نیز شناخته می‌شود، گرایشهای شناختی و اساسی‌ای را که انسانها در فهم دیگر فرهنگها به کار می‌گیرند، در شش مرحله پیوسته و پویا، دسته‌بندی کرده است. این مدل روند تغییر نگرش انسان یا گروه انسانی به فرهنگ‌های نامگون را به خوبی آشکار می‌کند که تا حد زیادی قابلیت بهره‌وری در فهم نگاه میان مذهبی به عنوان یک مؤلفه فرهنگی را پدیدار می‌سازد. مراحل الگوی تکاملی از این قرار است:

۱) انکار تفاوت

در این مرحله، فرد بر حسب خوگیری با فرهنگ خود و عدم توجه به فرهنگهای دیگر، تنها تعلقات و ساختارهای فرهنگی خود را می‌شناسد و فرهنگ دیگری را به رسمیت نمی‌شناسد. وی دیگران و آرا و اعمالشان را بر پایه فرهنگ خویش تفسیر می‌کند. از این رو، با رد تفاوت‌های فرهنگی و عدم اعتباردهی به دیگر گوناگونیها، سعی بر نادیده انگاشتن چالشهای ریز می‌کند و اگر تفاوت فرهنگی برجسته شود، برخورد انعطاف ناپذیری از خود نشان می‌دهد^{۱۴} که این واکنش همچون یک طیف، بر حسب تعارض و تفاوت، شدت پاسخ یکسانی ندارد. در بسیاری موارد، به سبب غلبه این طبقه، چالشهای میان فرهنگی در

است که خود یک قابلیت انتقادی در فرد می‌سازد.^۹ معمولاً این خصیصه را یک توانایی فردی می‌دانند که به بسط احساسات در فهم و درک ناهمگونیهای فرهنگی می‌پردازد^{۱۰} و توان به رسمیت شناختن نظریات مختلف در مورد یک موضوع یا رفتار با هدف تصدیق ارزشهای فرهنگی خود و دیگری است.^{۱۱} از طرفی آلبرت (Albert) و دنبار (Dunbar) قائل به ویژگی دیگری برای این خصیصه می‌باشند، که این قابلیت در حقیقت توانایی تفسیر پدیده‌ها، به همان شیوه‌ای است که دیگر فرهنگها به تفسیر آن می‌پردازند.^{۱۲} پیدایش این اصطلاح و کاربرد آن، به ذات فرهنگ برمی‌گردد؛ زیرا فرهنگ، شامل سازنده‌ها و عناصر گوناگونی از جمله آداب، رسوم و مذهب است و شاخصه‌ای غالب در تمایزبخشی میان اقوام است که این تمایز، سبب برآمدن حساسیت میان دو یا چند گروه فرهنگی است که در تعامل با یکدیگر به سر می‌برند.^{۱۳} این نوع تعامل می‌تواند مبتنی بر خصیصه‌ای غالب میان آن اقوام و گروههای فرهنگی نیز باشد، آنچنان که در مقوله مذهب و روابط میان مذاهب در یک دین شاهد هستیم. آن گونه که از مقایسه این قابلیت با مهارت میان فرهنگی روشن می‌شود، امر حساسیت میان فرهنگی ناظر به شناخت و درک فردی است و مهارت میان فرهنگی به فکر کاربردی و عمل شخص بازمی‌گردد. در یک نگاه جامع روشن می‌شود که این دو در تعامل با یکدیگر قرار دارند، چه آنکه حساسیت میان فرهنگی شناختی تمییزی به شخص می‌دهد که وی با بهره بردن از آن، رفتار می‌کند و در این راستا و پس از افزایش تجاربش، زمینه‌های شناخت تفاوتها و همچنین توانایی درک و تفسیر

9. "The Impact of intercultural sensitivity on ethnocentrism and intercultural communication apprehension", P.27.

10. "A review of the concept of intercultural sensitivity", P.5.

۱۱. «دوجانه‌ی شدن‌ها و حساسیتهای بین فرهنگی»، ص ۲.

12. See: *Selecting International Executives*, P.10.

۱۳. ر.ک: «دوجانه‌ی شدن‌ها و حساسیتهای بین فرهنگی»، ص ۲.

14. See: *Exploring Leadership*, P.171.



جوامع، نتیجه نگرش‌ها و رویه‌های این گروه است. البته باید مدنظر داشت که اقلیمهای زیستی بر حسب تبدلات میان فرهنگی - مذهبی خود، شدت واکنش متمایزی دارند.

۲) دفاع در برابر تفاوت

در این طبقه، فرد نه به انکار فرهنگ مقابل، که به ارزش‌گذاری قیاسی آن می‌پردازد و در این ارزش‌گذاری، فرهنگ خویش را کامل‌ترین و برترین شیوه زندگی به حساب می‌آورد. وی همچنین میان فرهنگ خود و دیگر فرهنگها، خط بسته‌ای می‌کشد و دو قلمرو سفید و سیاه را نسبت به تعاملات و کنش‌وریه‌های فرهنگی مشخص می‌سازد و به ادیبانی دیگر دوگانه ما و آنها پدید می‌آید.^{۱۵} البته در این بین، مقوله نفی کارکردی تفاوتها نیز پیش می‌آید، مسائلی همچون نژاد، جنسیت و ... اعضای این طبقه، که ممکن است در یک سیر معکوس نیز زیست کنند، آن‌چنان که فرهنگ دیگری را به حد والایی بستایند و فرهنگ خویش را حقیر و کوچک به حساب آورند.

۳) کم‌انگاری تفاوتها

افراد متعلق به این طبقه، آن‌چنان باز با پدیده‌های فرهنگی و متعلقات میان فرهنگی برخورد می‌کنند که گویی تفاوتهای میان گروههای فرهنگی بسیار ناچیز و قابل نادیده گرفتن است. ریشه چنین نگاهی به اینجا بازمی‌گردد که این دسته، انسانها را بدون برچسب‌گذاری در تفاوت خواسته‌ها، یکسان قلمداد می‌کنند و خواسته‌هایشان را مطالبه‌ای فراگیر می‌دانند.^{۱۶} رفتارشناسی این طبقه نشان می‌دهد که با نادیده گرفتن تفاوتها، سعی در انجام رفتاری یکسان در قبال سنخهای فرهنگی گوناگون دارند و غالباً به دلیل نداشتن اطلاعات کافی، به تعمیم رفتار پیشینی خود در حوزه‌ها و موقعیتهای مختلف ارتباطی می‌پردازند.^{۱۷} این شکل رفتاری نیز در دسته رفتارهای قوم‌مدارانه

جای می‌گیرد.

۴) پذیرش تفاوتها

در این مرحله اشخاص با اطلاعاتی که دارند، فارغ از اینکه خود احساس تمایل یا نگرش مثبت به آنها داشته باشند یا نه، تفاوتهای میان فرهنگها را می‌پذیرند. اعضای این طبقه به جایگاه فرهنگ و گوناگونی فرهنگها در شکل دادن به ساختار جامعه آگاه هستند و بر این پایه، علاقه دوجندانی به شناخت و دانستن تفاوتهای فرهنگی دارند. همچنین پذیرش تفاوتهای فرهنگی در عرصه رفتاری همراه با احترام به سنن دیگر است.^{۱۸}

۵) انطباق با تفاوتها

بسط نگرش در راستای فهم فرهنگها و رفتار متناسب، دو شاخصه اصلی این طبقه است. اعضای این مرحله به این توانمندی رسیده‌اند که تفاوتهای فرهنگی را دریابند، فرهنگها را درک کنند و بنا به محیط و موقعیت فرهنگی، به عمل متناسب بپردازند. شناختن مرزهای تفاوت فرهنگی سبب شده است، تا شکل رفتاری به صورتی درآید که تمایزات فرهنگی خود را در عین حفظ کردن، به فرهنگ مقابل بشناسانند. در یک کلام می‌توان مشخصه این افراد را قابلیت عمل، و رای جهان بینی بومی متعلق به خود دانست.^{۱۹}

۶) ادغام تفاوتها

این مرحله آخرین مرحله است و مراد از آن، توانایی شخص یادگیرنده یا تعامل‌کننده فرهنگی، در اتخاذ نگرشی فرهنگی به جای نگرش خویش و رفتار بر پایه این نگرش است. این امر که نیاز به گذر زمانی زیادی دارد، منوط به این است که فرد بیش از یک جهان بینی فرهنگی را در خویش نهادینه کرده باشد.^{۲۰} فرزندان خانواده‌های چند مذهبی و یا کسانی که برای

18. *Explorations of Language Teaching and Learning with Computational Assistance*, P.153.

19. *Cases on Transnational Learning and Technologically Enabled Environments*, P.78.

20. *Human-Computer Interaction. Interacting in Various Application Domains*, P.131.

15. See: *Voices of the Invisible Presence*, P.170.

16. *Intercultural Spaces*, P.122.

17. See: *The diversity dashboard*, P.25.

سالیان دراز در محیط‌های با فرهنگ متفاوت زیسته‌اند، گشودگی بیشتری در اتخاذ این رویکرد دارند.

مؤلفه‌های فرهنگ خویشتن روشن گردد. بنابراین در بخش «زیست مذهبی» می‌توان موارد زیر را در مقوله شناختی آن معرفی کرد:

نتیجه‌گیری: کاربست پذیری مقوله شناختی مهارت در تعاملات میان مذاهب

۱. فهم اولیه از روابط دوسویه مذهب و فرهنگ و تأثیرگذاری متقابل این دو.

همان‌طور که گفتیم، برای بالا بردن کنش‌وریه‌های مثبت و مفید در حیطه میان فرهنگی و مذهبی، ضرورت فهم و پیاده‌سازی مهارت وابسته بدان، امری جدی و گریزناپذیر است. شاخصه‌های این مهارت در دو گستره جدی شناخت و پیاده‌سازی جای دارند، آن‌چنان که سعی شد تا امر شناختی این فعالیت در کنار برجسته سازی مقوله حساسیت میان فرهنگی برای فهم جامعه و فرهنگ مجاور و ضرورت معرفت درونی نسبت به

۲. گونه‌شناسی شناخت و مراحل دریافت آگاهی اجتماعی نسبت به مذاهب.

۳. آگاهی از خود و شناخت ذهن و دانسته‌های پیشینی و نگاه ارزشی خود و جامعه خویشتن نسبت به مذهب و زیست فرهنگی - مذهبی جامعه مجاور.

۴. آگاهی نسبت به جامعه مجاور با مدنظر قرار دادن شالوده‌های اصلی فرهنگی - رفتاری آن جامعه و در کنار آن اصول مذهبی - اجتماعی آن زیست‌بوم.

کتابنامه

- Ildikó, Lázár, *Developing and Assessing Intercultural Communicative Competence*, Strasbourg, Council of Europe Publishing, 2007.
- Jacko, Julie A, *Human-Computer Interaction. Interacting in Various Application Domains*, 13th International Conference, HCI International 2009, San Diego, CA, USA, July 19-24, 2009, Proceedings, Part 4, Springer Science & Business Media, 2009.
- Manuel, London & Valerie I. Sessa, *Selecting International Executives*, Center for Creative Leadership, 1999.
- Milnes, Eilidh & Swallow, Deborah, *The diversity dashboard: A manager's guide to navigating in cross-cultural turbulence*, Infinite Ideas, 2013.
- Pearson-Evans, Aileen & Leahy, Angela, *Intercultural Spaces: Language, Culture, Identity*, Peter Lang, 2007.

- عاملی، سعیدرضا، و حمیده مولایی، «دوجوانی شدن‌ها و حساسیت‌های بین فرهنگی: مطالعه موردی روابط بین فرهنگی اهل تسنن و تشیع در استان گلستان»، مجله تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۸ش.
- Bin, Zou, *Explorations of Language Teaching and Learning with Computational Assistance*, IGI Global, 2012.
- Chen, G. M, & W. J. Starosta, "A review of the concept of intercultural sensitivity", *Human Communication*, 1, 1-16. 1997.
- Chen, G. M. "The Impact of intercultural sensitivity on ethnocentrism and intercultural communication apprehension", *Intercultural Communication Studies*, 19 (1), 1-9. 2010.
- Huber, Joseph, *Developing intercultural competence through education*, Pestalozzi series No.3, Paris, Council of Europe Publishing, 2014.



- Torikai, Kumiko, *Voices of the Invisible Presence: Diplomatic Interpreters in Post-World War II Japan*, John Benjamins Publishing, 2009.
- Warren, Mark, *New Zealand TWI: Appreciation, Operating and Follow up Programs*, 2012.
- Sercu, Lies & Bandura, Ewa, *Foreign Language Teachers and Intercultural Competence: An International Investigation*, London, Cromwell Press, 2005.
- Siran, Mukerji, *Cases on Transnational Learning and Technologically Enabled Environments*, IGI Global, 2010.
- Stefanidou, Eleni, *Teaching Intercultural Competence in Secondary Schools*, Munich, GRIN Verlag, 2008.
- Susan, R. Komives, Nance Lucas & Timothy R. McMahon, *Exploring Leadership: For College Students Who Want to Make a Difference*, John Wiley & Sons, 2013.

